

کاشمش

■ گلشن مهر شناسنامه گلستان است

■ شنبه ۱۷ مرداد ماه ۱۴۰۵ / سال بیست و هفتم / شماره ۳۳۲۵ / ۸ صفحه / ۲۵۰۰ تومان

ایزار نوین پرداخت

مشتریان شما با QR code

فرصت ویژه

تنها با یک افتتاح حساب

پرداخت سریع و امن

راحتکار نوین

بدون هزینه

افزایش فروش

همراه مطمئن کسب و کار شما

مهار آتش در ارتفاعات
جنگل قرق



۲

سواحل خزر در تلاطم توسعه
«یادداشت»



۳

مخاطبان



۳

یادداشت اول

درس‌های مشروطه

■ احسان مکتبی

چهاردهم مرداد ماه روز تاریخی امضای فرمان مشروطه به دست مظفرالدین شاه بود. نگاهی به سیر تاریخی این اتفاق در ۱۲۸۵ شمسی به ما می گوید که ایرانیان نتوانسته اند از چنین اتفاق پر اهمیتی بهره خود را ببرند، ما در آن سالها و با انقلاب مشروطه به دنبال عدالتخانه و حکومت قانون بودیم و از این دو نیز تنها اسمی شنیده بودیم و نمی دانستیم که اصولاً چگونه می توان به حکمرانی مبتنی بر عدالت و قانون رسید، نخبگان و روشنفکران جز معدودی گمان می کردند با تغییر نام حکمرانی از پادشاهی مطلق به پادشاهی مشروطه، ایران به کشوری پیشرفته مبدل می شود و تبعیض و بی عدالتی به پایان می رسد و این در حالی است که دیدیم از پس مشروطه چه اتفاقاتی بر سر ایران آمد تا ایرانیان دوباره در هوای آزادی، جمهوری و عدالت در سال ۱۳۵۷ انقلابی دیگر کنند، مگر شاهد مقصود را در آغوش گیرند. بنابر این آنچه باید از مشروطه ۱۲۸۵ و انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ بیاموزیم آن است که بدانیم و بفهمیم تغییر و تحول در نهاد آدمی یک شبه و با تغییر حکمرانی اتفاق نمی افتد، تحول محصول چند نسل کار آگاهانه و خردمندانه و بدور از خشونت است که خود را در تغییر رفتارها نشان می دهد، پدر و مادری که در خانه مستبدانه رفتار می کنند، مادری که خود را مطلق می پندارد و اجازه مشارکت در امور را به دیگران نمی دهد و ساختاری که مبتنی بر حکمرانی فردی طراحی می شود هیچگاه ظرفیت حضور نخبگان مستقل را در قدرت تاب نخواهد آورد و دیدیم که در هر دو انقلاب صد و بیست ساله اخیر ایرانیان هم نتوانستند به آنچه می خواستند برسند. بنابراین باید بیاموزیم که بدون آنکه به فکر تغییر در فرم حکمرانی باشیم به فکر تحول تدریجی در خودمان باشیم، وقتی همه با تلاش و کوشش خود را به انسانهای دیگری تبدیل کنیم...

ادامه در صفحه ۲

جانباختگان تصادفات ۱۷ درصد کاهش یافت



« ۸ »

دانشگاه: پیشگام مدیریت
مبتنی بر عملکرد



« ۸ »

نوغانداری نیازمند سرمایه گذاری برای تکمیل زنجیره تولید است



« ۷ »

معاون اقتصادی استاندار:

کمبودی در بازار نداریم



مهران موذنی: معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری گلستان گفت: درباره سابقه دار بودن یا نبودن سرمایه گذاران باید بگویم بنده نه قوه قضاییه هستم و نه نیروی امنیتی. حوزه فعالیت من اقتصاد است. عبدالعلی کیانمهر، صبح چهارشنبه، ۱۴ مرداد با حضور در اتاق بازرگانی، صنایع، معاون و کشاورزی گرگان، در جمع خبرنگاران گفت: از نظر من هر کسی که در فضای جمهوری اسلامی نفس می کشد، فردی است که می تواند در داخل کشور سرمایه گذاری کند. اگر تخلفی انجام داده است، دستگاه مسئول باید با او برخورد کند. ما باید شرایط را برای هر کسی که طرح یا ایده ای برای سرمایه گذاری دارد، فراهم کنیم. وی افزود: وظیفه من این است که شرایط سرمایه گذاری را فراهم کنم. در اتاق من به روی همه باز است. هر کسی که بخواهد بیاید سرمایه گذاری کند، من سؤال نمی کنم که گذشته اش چه بوده است. وقتی یک فرد بیرون است، یعنی آزاد است و می تواند سرمایه گذاری کند. معاون هماهنگی امور اقتصادی استاندار ادامه داد: من نمی توانم اینجا برای خودم یک دستگاه شوم و شروع به استعلام گرفتن کنم. البته استعلام گرفته ام. با معاون اقتصادی خراسان رضوی تماس گرفتم و گفتم این تیم قرار است بیاید، آیا شکایتی درباره آنها وجود دارد؟ گفتند نه. با کرمان تماس گرفتم، گفتند نه. با اتاق مازندران تماس گرفتم، گفتند ایشان آمده، تفاهنامه امضا نکرده، اما کار دیگری را در حال انجام دارد. برای من و همکارانم، معاونان اقتصادی استانها ملاک هستند و از آنها سؤال می کنیم. وی با تأکید بر اولویت سرمایه گذاران بومی اظهار داشت: اولویت نخست ما سرمایه گذاران بومی هستند و تلاش می کنیم ابتدا زمینه فعالیت آنها را فراهم کنیم. هر چند از

حضور سرمایه گذاران خارج از استان نیز استقبال می کنیم. سرمایه گذار بزرگ دیگری نیز در آستانه نهایی کردن سرمایه گذاری خود است که پس از قطعی شدن، اطلاع رسانی خواهد شد. کیانمهر درباره نقش بخش خصوصی در حوزه اقتصاد کشور در زمان جنگ گفت: با وجود اینکه نزدیک به یک سال است درگیر جنگ هستیم، هیچ کمبودی در بازار وجود ندارد. دولت نقش تسهیل گر را بر عهده داشت، اما اگر بخش خصوصی در دوران جنگ و تحریم پای کار نمی آمد، قطعاً با مشکلات فراوانی روبه رو می شدیم. وی افزود: در طول جنگ با سه چالش اصلی شامل نقدینگی، تأمین مواد اولیه و تأمین نیروی کار روبه رو بودیم. بخش خصوصی با استفاده از ارتباطات خود توانست مواد اولیه را تأمین کند و با سرمایه خود نیز بخشی از مشکل نقدینگی را برطرف کرد، زیرا دولت به دلیل محدودیت منابع مالی امکان حمایت گسترده نداشت. معاون هماهنگی اقتصادی امور اقتصادی استاندار در ادامه گفت: طبق آمار اداره کار، استان گلستان در زمره پنج استان برتر کشور از نظر کاهش نرخ بیکاری قرار گرفت و در طول جنگ هیچ واحد تولیدی به دلیل کمبود مواد اولیه

پیدا کرد. همین موضوع باعث شد این دو محصول، یک سبد درآمدی مناسب برای کشاورزان ایجاد کند. وی درباره تغییر نرخ ارز دولتی گفت: ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی اکنون به حدود ۱۵۰ هزار تومان رسیده است، یعنی داملار ما اگر تا دیروز دام را براساس ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان تأمین می کرد، ناگهان مثلاً قیمت ذرت ۱۰ هزار تومانی برای او به ۱۵ هزار تومان رسید. البته اکنون به تدریج این فاصله ها در حال اصلاح شدن است. لازم به ذکر است دو پرسش گلشن مهر از مسوولان حاضر عبارت بود از: پرسش اول: با عنایت به ظرفیت های بالقوه استان گلستان در حوزه های کشاورزی، صنایع تبدیلی و لجستیک مرزی، شاهد شکافی مننادار میان برنامه های توسعه ای ابلاغی و خروجی های واقعی در شاخص های بهره وری و اشتغال هستیم. اتاق بازرگانی به عنوان پارلمان بخش خصوصی، همواره از موازی کاری ها و بروکراسی های دست و پاگیر در صدور مجوزها و تأمین مالی گلایه دارد. به طور مشخص، سازوکار عملیاتی و زمان بندی شده ای استانداری گلستان برای زودن موانع تولید در استان چیست و چگونه می خواهید این تعاملات را از سطح جلسات گفت و گو محور، به نتایج ملموس و قابل سنجش در افزایش صادرات غیرنفتی و ارتقای تاب آوری بنگاه های اقتصادی خرد و متوسط در استان تبدیل کنید؟ و سوال دوم: با توجه به اینکه هزینه حمل و نقل دریایی در شرایط عادی و استاندارد در اغلب گروه های کالایی کمتر از حمل و نقل ریلی است؛ مزیت رقابتی منطقه آزاد اینچه برون در حمل و نقل ریلی چیست؟ و چه گروه کالاها و کالاهایی توجیه اقتصادی و قیمتی برای بازرگانی در هر دو شیوه صادرات و واردات از این مسیر دارند؟ که پاسخی دریافت نشد.

ادامه یادداشت اول

درس های مشروطه

وقتی نگاه ما به زندگی و سیاست و فرهنگ تغییر کرد در آن صورت می توانیم امیدوار باشیم که نوع حکمرانی ما نیز تغییر خواهد کرد، به یاد داشته باشیم

که پدران و مادران ما در مشروطه گمان می کردند مشروطه بهترین نوع حکمرانی است و ما از این پس هم ردیف انگلستان خواهیم بود زیرا آنها نیز حکمرانی مشروطه دارند و جالب آن است که مظفر الدین شاه هم گفته بود می گویند بعد از مشروطه تهران مانند لندن می شود اگر چنین است ما مشروطه را می پذیریم و...بقیه داستان را که دیده ایم. امروز می بینیم احزاب، نهادهای مدنی، رسانه ها،.... در جمهوری ما در کدام

در سال های اخیر، توجه به بافت های تاریخی شهری در بسیاری از شهرهای کشور، از یک موضوع صرفاً میراثی فراتر رفته و به یکی از محوره های مهم مدیریت شهری تبدیل شده است. بافت تاریخی، اگرچه نیازمند مرمت و حفاظت است، اما نمی تواند همچون یک محدوده معمولی شهری صرفاً با رویکردهای عمرانی، مالی یا کالبدی مدیریت شود و هرگونه مداخله در این بافت باید بر پایه شناخت دقیق از ارزش های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و معماری آن صورت گیرد و میان الزامات زندگی امروز و ضرورت های حفاظت از میراث گذشته تعادل ایجاد کند. بر همین اساس، معرفی شهردار بافت تاریخی گرگان از ۲۸ مردادماه سال جاری و آغاز فعالیت این مجموعه زیر نظر مستقیم شهردار گرگان، می تواند گامی مهم در مسیر سامان دهی، هماهنگی و تقویت مدیریت این محدوده باشد. ضمن آرزوی موفقیت برای شهردار آینده بافت تاریخی و مجموعه شهرداری بافت تاریخی گرگان، ضروری است از هم اکنون بر چند نکته اساسی تأکید شود. نخست آن که بافت تاریخی گرگان باید دارای پیوست فرهنگی و میراثی جامع و الزام آور باشد؛ پیوستی که صرفاً به عنوان یک گزارش اداری تهیه نشود، بلکه در فرآیند تصمیم گیری، طراحی، اجرا و ارزیابی طرح ها نقش واقعی داشته باشد. چنین پیوستی باید زیر نظر متخصصان واقعی و آشنا با تاریخ، معماری، فرهنگ و جامعه گرگان و پیشینه اش تدوین شود و اجرای برنامه ها نیز با هایت و نظارت مستمر آنان پیش برود. دوم آن که در شهری مانند گرگان که از حضور اهالی فرهنگ، پژوهشگران و صاحب نظرانی برخوردار است که در گستره ملی شناخته شده اند، بهره گیری از این ظرفیت فکری و تخصصی باید همواره در اولویت مدیریت شهری قرار گیرد. مشورت با نخبگان نباید به جلسات نمادین یا دعوت های تشریفاتی محدود شود؛ بلکه دیدگاه های کارشناسی آنان باید در سیاست گذاری ها، اولویت بندی پروژه ها

جایگاه قرار دارند و بحران های پیش روی ما چیست و دیگران در کجای تاریخ جای گرفته اند، باری مهم آن است که بدانیم فرم اگر چه مهم است اما آنچه مهم تر و پر اهمیت تر است، محتوا و بنیان های یک ملت است. می شود با امپراطوری به مثابه ژاپن کشوری موفق بود و می شود نام جمهوری را داشت و کره شمالی شد و یا می توان پادشاهی سلطنتی بود و انگلستان شد. بر این اساس شایسته است نخبگان ایران زمین اگر دلشان

و تصمیم های اجرایی انعکاس عملی پیدا کند. زیرا موضوع بافت تاریخی تنها به مرمت چند بنا، بهسازی معابر یا اجرای پروژه های عمرانی محدود نیست. تصمیم های مرتبط با تملک، هزینه کرد منابع مالی، تغییرات کالبدی، نحوه استفاده از بناها، سامان دهی فعالیت های اقتصادی، توسعه گردشگری و حتی نوع تبلیغات و مبلدان شهری، همگی می توانند بر اصالت و هویت این محدوده تأثیر بگذارند؛ بنابراین شایسته است و بار دیگر تأکید می شود مسائل عمرانی، مالی و اجرایی بافت تاریخی با بهره مندی واقعی از نخبگان، پژوهشگران، متخصصان میراث فرهنگی، معماران و دیگر صاحب نظران دنبال شود. از سوی دیگر، مدیریت بافت تاریخی باید در کنار حفاظت از بناها، به زندگی ساکنان و نیازهای روزمره آنان نیز توجه داشته باشد. بافت تاریخی زمانی زنده و پایدار خواهد بود که ساکنان آن احساس کنند در فرآیند احیا و توسعه، دیده و شنیده می شوند و قرار نیست نتیجه برنامه ها به خروج اجباری آنان یا تبدیل محله به فضایی صرفاً نمایشی و گردشگری منجر شود. حفظ سکونت، تقویت کیفیت زندگی، تأمین زیرساخت های ضروری و حمایت از فعالیت های سازگار با هویت تاریخی، باید در کنار حفاظت کالبدی مورد توجه قرار گیرد. در یک کلام، اکنون که قرار است مدیریت مستقلی برای بافت تاریخی گرگان شکل بگیرد، انتظار می رود این اقدام به فرصتی برای ایجاد یک الگوی علمی، مشارکتی و بومی در مدیریت میراث شهری تبدیل شود. تصمیم های شتاب زده، پروژه های فاقد مطالعه، مداخلات صرفاً عمرانی و بی توجهی به نظر متخصصان می تواند آسیب هایی ایجاد کند که جبران آن ها بسیار دشوار خواهد بود. زیرا گرگان، شهری است که نامش با پژوهشگران و فرهنگ پژوهانی گره خورده که در گستره ملی خوش نام و شناخته شده اند. حضور افرادی همچون اسدالله معطوفی، محمود اخوان مهدوی،

رحمت الله رجایی و دیگر اساتید و صاحب نظرانی که سال ها عمر خود را صرف کاوش در لایه های تاریخی و فرهنگی این شهر کرده اند، یک «زیت استراتژیک» برای مدیریت شهری محسوب می شود. ایجاد زیرساخت های فرهنگی به ویژه در حوزه کتاب و کتابخوانی نظیر کتابخانه های عمومی و تخصصی متناسب با بافت تاریخی، می تواند وجهه فرهنگی به این بافت از شهر گرگان اعطا کند. علاوه بر این، گرگان از منابع دست اول و کتب مرجع بسیار ارزشمندی برخوردار است که سِندِ هویت آن را روایت می کنند. برای مثال در آخرین و نزدیک ترین نمونه، کتاب «شهرشناسی استرآباد» اثر یعقوب رشتچیان است که با نظر هیئت داوران چهل و سومین دوره «جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران»، عنوان اثر برگزیده را به خود اختصاص داد، که نمونه ای قابل توجه و منبعی قابل اتکا برای شناخت کلی و تخصصی بافت تاریخی گرگان حتی برای مخاطب عام برای شناخت کلی از زیست بومش است. همچنین با جست و جوی در هزاران سند و نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس، از پیوندی ناگسستنی میان حافظه تاریخی پارلمان و میراث علمی گرگان استرآباد پرده برداشته می شود و نیز بازخوانی میراث مکتوب استرآباد بار دیگر نشان می دهد که آثار برج مانده از دانشمندان این دیار، تنها نوشته هایی تاریخی نیستند؛ بلکه گنجینه ای زنده از اندیشه، دانش و جریان های علمی اند که در شکل گیری تمدن ایرانی نقشی ماندگار داشته اند. بافت تاریخی گرگان متعلق به یک دوره یا یک دستگاه خاص نیست؛ بخشی از حافظه و هویت جمعی شهر و میراث مشترک همه شهروندان است. ازاین رو، موفقیت مدیریت آینده آن در گروی اعتماد به تخصص، استفاده از ظرفیت نخبگان، تعریف پیوست فرهنگی واقعی و ایجاد مشارکت میان شهرداری، میراث فرهنگی، دانشگاهیان، پژوهشگران، اهالی فرهنگ و هنر و رسانه و ساکنان و فعالان اجتماعی خواهد بود.

مدیریت مستقل بافت تاریخی

سید حسن حسینی نژاد

گرگان، شهری با پیشینه ای کهن و برخوردار از لایه های ارزشمند تاریخی، فرهنگی و اجتماعی است؛ شهری که هویت آن تنها در بناهای تاریخی و گذرهای قدیمی خلاصه نمی شود، بلکه در خاطره جمعی مردم، معماری بومی، شیوه زیست، محلات تاریخی و پیوند میان گذشته و زندگی امروز آن شکل گرفته است. «بافت تاریخی گرگان» نیز از مهم ترین نشانه های این هویت شهری و بخشی از سرمایه فرهنگی استان گلستان به شمار می رود؛ سرمایه ای که حفاظت، احیا و بهره برداری درست از آن می تواند به توسعه پایدار شهری، رونق گردشگری، برندسازی شهری، و تقویت تعلق اجتماعی شهروندان کمک کند.

مهار آتش در ارتفاعات جنگل قرق



از شهروندان، گردشگران و طبیعت گردان خواست از روشن کردن آتش در جنگل ها و مراتع، به ویژه در روزهای همراه با هشدار حریق و شرایط بحرانی، به طور جدی خودداری کنند. مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان تأکید کرد: بخش قابل توجهی از آتش سوزی های جنگلی بر اثر بی احتیاطی های انسانی رخ می دهد و رعایت توصیه های ایمنی از سوی مردم، مهم ترین عامل در پیشگیری از وقوع این حوادث و حفاظت از جنگل های ارزشمند استان است. نیکویی بر ضرورت مشارکت عمومی در صیانت از منابع طبیعی تأکید کرد و گفت: حفاظت از جنگل ها و مراتع، مسئولیتی همگانی است و همراهی مردم می تواند نقش مؤثری در حفظ این سرمایه های ملی برای نسل های آینده داشته باشد.

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان از مهار آتش سوزی در ارتفاعات جنگل قرق خبر داد و گفت: نیروهای عملیاتی همچنان در منطقه مستقر هستند. به گزارش مهر، علی اصغر نیکویی از مهار آتش سوزی در ارتفاعات جنگل قرق خبر داد و اظهار کرد: با حضور سریع نیروهای یگان حفاظت، جنگلبانان و نیروهای عملیاتی منابع طبیعی، آتش سوزی در کوتاه ترین زمان ممکن تحت کنترل قرار گرفت. وی با بیان اینکه نیروهای عملیاتی همچنان در محل حادثه حضور دارند، افزود: عملیات اطفای کامل، پایش مستمر و لکه گیری حریق تا حصول اطمینان از خاموش شدن کامل آتش ادامه خواهد داشت تا از هرگونه شعله ور شدن مجدد جلوگیری شود. وی با اشاره به افزایش خطر وقوع آتش سوزی در عرصه های طبیعی،

ما نباید کشاورزی، گردشگری، صنعت و محیط‌زیست را در اتاق‌های مجزا برنامه‌ریزی کنیم؛ چرا که تعارض کارکردها در این حالت، اجتناب‌ناپذیر است. آنچه شمال ایران به آن نیاز دارد، برنامه‌ریزی فضایی و آمایشی منسجم است؛ سیستمی که میان «حفاظت و بهره‌برداری»، «رشد اقتصادی و عدالت اجتماعی» و «نیازهای امروز و حقوق نسل‌های آینده» تعادل برقرار کند. این رویکرد، همان پیام اصلی تحلیل عدم تعادل‌های منطقه‌ای است که توسط قادری و تقوایی مطرح شده و بر لزوم ایجاد تعادل فضایی و منطقه‌ای در کشور تأکید دارد.

راهکارها در چند گام کلیدی:

مدیریت یکپارچه نوار ساحلی: اجرای قاطع طرح‌های آمایش سرزمین و توقف تغییر کاربری اراضی کشاورزی و جنگلی، که از جمله مسائل کلیدی مطرح شده در کتاب قادری و تقوایی است.

اصلاح الگوی توسعه گردشگری: گذار از ساخت‌وسازهای انبوه به سمت گردشگری مسئولانه، روستایی و مبتنی بر میراث فرهنگی، که با اصل توسعه پایدار در تعارض نیست.

توزیع عادلانه فرصت‌ها: تقویت پیوند میان شبکه شهری و روستایی برای جلوگیری از حاشیه‌نشینی و مهاجرت‌های بی‌رویه، که از پیامدهای نامطلوب عدم تعادل منطقه‌ای است.

حفاظت فعال از اکوسیستم: ساماندهی مدیریت پسماند و فاضلاب به عنوان پیش شرط هرگونه فعالیت اقتصادی، و بازگرداندن توجه به «مشکلات کلان» زیست‌محیطی که در تصاویر ارسالی نیز به وضوح مشهود بود.

سخن پایانی

سواحل شمال تنها متعلق به امروز نیست؛ این پهنه، امانتی است که ما برای آینده در اختیار داریم. اگر سیاست‌گذاری‌ها بر پایه پژوهش، آینده‌نگری و مسئولیت‌پذیری استوار نباشد، آنچه از دست خواهیم داد، فراتر از چشم‌اندازهای طبیعی خواهد بود؛ ما با از دست دادن توان اکولوژیک و ظرفیت‌های زیست‌محیطی، نه تنها پایداری اقتصادی منطقه، بلکه بخشی از هویت ملی خود را نیز به تاراج خواهیم داد. بازگشت به اصول «آمایش سرزمین» و پرهیز از «برنامه‌ریزی متمرکز» و «رشد بدون توسعه»، کلید رهایی سواحل خزر از تالطم کنونی و تضمین آینده‌ای پایدار برای این نگین ارزشمند ایران است.

دکتری مدیریت

اشتغال‌زایی را کاهش داده و به جای توزیع عادلانه ثروت، منجر به تشدید فقر نسبی و مهاجرت‌های بی‌رویه شده است. این پارادوکس «وجود منابع فراوان در کنار ضعف ساختار اقتصادی»، که در کتاب قادری و تقوایی به عنوان یکی از نمودهای «عدم تعادل منطقه‌ای» مطرح شده، نشان‌دهنده شکست مدل‌های توسعه‌ای سنتی در مدیریت فضایی است.

تجلی علمی بحران: استناد به پژوهش‌ها

ضرورت تغییر رویکرد، تنها یک ادعای نظری نیست، بلکه بر پایه یافته‌های علمی استوار است:

۱. تنش میان گردشگری و محیط‌زیست: پژوهش Molla et al. (۲۰۱۲) بر این نکته صحنه می‌گذارد که رشد گردشگری بدون هم‌سویی با ملاحظات زیست‌محیطی، نه تنها به توسعه منجر نمی‌شود، بلکه کیفیت و جذابیت طبیعی منطقه را به شدت تقلیل می‌دهد. این یافته، تلویحا مؤید دیدگاه قادری و تقوایی در خصوص لزوم توجه به ظرفیت‌های محلی و جلوگیری از «توسعه ناپایدار» است.

۲. دگرگونی الگوی روناب: یافته‌های Jahanshahi et al. (۲۰۲۵) نشان می‌دهند که تغییر کاربری اراضی، پاسخ هیدرولوژیک حوضه‌های آبریز را دگرگون کرده و پایداری منابع آب را با تهدید مواجه ساخته است. هرگونه مداخله در پوشش زمین شمال، زنجیره حیات اکوسیستم را مختل می‌کند. این موضوع ارتباط مستقیمی با بحث «کاربری زمین» و «اثرات زیست‌محیطی» دارد که در تحلیل‌های قادری و تقوایی به آن پرداخته شده است.

۳. مخاطرات اقلیمی در خرز: با توجه به پژوهش Lahijani et al. (۲۰۱۰) نوسانات تراز آب دریای خزر، توسعه در حاشیه این دریا را با مخاطرات فرسایش و آسیب‌پذیری‌های اقلیمی مواجه ساخته است؛ واقعیتی که نادیده گرفتن آن، سرمایه‌گذاری‌های امروز را به بحران‌های هستی‌شناختی فردا تبدیل می‌کند. این مسئله، جنبه‌ای حیاتی از «چالش‌های زیست‌محیطی» در مناطق ساحلی است که در کتاب قادری و تقوایی نیز مورد توجه قرار گرفته است.

ضرورت بازنگری: به سوی برنامه‌ریزی یکپارچه و آمایشی

بر اساس تحلیل‌های علمی و مستندات ارائه شده در کتاب «تحلیل عدم تعادل‌های منطقه‌ای در ایران» اثر دکتر محمدرضا قادری و دکتر مسعود تقوایی، راهبردی برای عبور از این پیچ‌راه توسعه وجود دارد: عبور از «نگاه بخشی» به سمت «نگاه منطقه‌ای و یکپارچه».

پارادوکس توسعه: وقتی رشد، ویرانگر می‌شود

در دهه‌های اخیر، نوار ساحلی شمال تحت فشار توسعه‌ای قرار گرفته که گویی از منطق ظرفیت‌های محیطی گسسته است. رشد جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی، با سرعتی ویرانگر و بدون توجه به «ظرفیت برد اکولوژیک» منطقه، پیش رفته است. پیامد این روند، فرسایش تدریجی همان منابعی است که حیات اقتصادی منطقه را تضمین می‌کنند. همانطور که در کتاب قادری و تقوایی اشاره شده، «برنامه‌ریزی متمرکز» و «اتکای به نفت»، شکاف میان مرکز و پیرامون را تشدید کرده و منجر به نابرابری‌های فضایی و غفلت از ظرفیت‌های بومی شده است. از منظر زیست‌محیطی، ما با بحرانی بی‌سابقه روبرو هستیم: نفوذ آلودگی‌های شهری و صنعتی به پهنه دریای خزر، بحران مدیریت پسماند و تخلیه پساب‌ها به حریم رودخانه‌ها، و تغییرات ناپایدار تراز آب دریا که فرسایش سواحل را تسریع کرده است. در این زمینه، پژوهش Lahijani et al. (۲۰۱۳) بر مخاطرات ناشی از نوسانات تراز آب خزر و پیامدهای آن برای سواحل تأکید دارد. از سوی دیگر، در لایه کالبدی، شاهد تغییر کاربری‌های شتاب‌زده و بی‌ضابطه هستیم؛ جایی که اراضی کشاورزی و پوشش‌های جنگلی قربانی ساخت‌وسازهای پراکنده شده‌اند و حق دسترسی عمومی به دریا، در گرو منافع کوتاه‌مدت، به حاشیه رانده شده است. این تغییرات کاربری، همانطور که Jahanshahi et al. (۲۰۲۵) در پژوهش خود نشان داده‌اند، پاسخ هیدرولوژیک حوضه‌های آبریز را دگرگون کرده و پایداری منابع آب را با تهدید مواجه ساخته است.

ریشه‌شناسی بحران: از تمرکزگرایی تا ناتوانی ساختاری

چرا با وجود اسناد بالادستی، نابرابری‌های منطقه‌ای در شمال همچنان پابرجاست؟ تحلیل‌های علمی، به ویژه آنچه در کتاب «تحلیل عدم تعادل‌های منطقه‌ای در ایران» توسط دکتر قادری و دکتر تقوایی (۱۴۰۰) ارائه شده، نشان می‌دهند که ریشه این وضعیت در ساختار برنامه‌ریزی متمرکز و اتکای افراطی به اقتصاد نفتی نهفته است. این الگوی توسعه‌ای، به جای توجه به «آمایش سرزمین» و ظرفیت‌های بومی، بر مدل‌های قطبی رشد استوار بوده که منجر به نابرابری‌های فضایی شدید شده است.

در این میان، ساختار اقتصادی منطقه نیز با ضعف‌های بنیادی دست‌وپنج نرم می‌کند. برخلاف تصور عمومی از رونق شمال، فقدان صنایع مادر، بهره‌وری پایین بخش کشاورزی و افت شدید ذخایر شیلاتی، پتانسیل

«

سواحل خزر در تالطم توسعه



مجید دهنوی

منطقه ساحلی شمال ایران — از پهنه سبز گیلان تا دشت‌های مازندران و کرانه‌های گلستان — تنها یک پهنه جغرافیایی یا مقصد تفریحی نیست؛ این نوار، میراثی چندوجهی از سرمایه‌های زیستی، اقتصادی و فرهنگی است که هویت ملی و پایداری اکولوژیک کشور را به خود گره زده است. تلاقی جنگل‌ها، تالاب‌ها، رودخانه‌ها و دریای خزر، منظومه‌ای بی‌بدیل از مزیت‌های طبیعی را پیش روی ما قرار داده است. با این حال، آنچه امروز بر این پهنه سایه افکنده، شکافی عمیق میان شکوه پتانسیل‌های طبیعی و زوال برنامه‌ریزی‌های مدیریتی است؛ شکافی که در آن، «رشد» با «توسعه» خلط شده و «سود» بر «بقا» پیشی گرفته است. این وضعیت، که ریشه‌های آن در تحلیل‌های عمیق کتاب «تحلیل عدم تعادل‌های منطقه‌ای در ایران» به دقت موشکافی شده است، نیازمند بازنگری اساسی در رویکرد توسعه‌ای ماست.

صدای مخاطبان

چنانکه افتد و دانی بین برخی اقوام، سلاح و شورش رابطه عمیق و وثیقی هست اما در تاریخ معاصر بین کردهای خراسان(کرمانجه) به دلایل گوناگون با سلاح فاصله افتاد با این وصف نام چند تن از سرداران و تفنگچیهای مشهور در ترانه های محلی ماندگار شده است مانند سردار عیوض خان، رشیدخان، خان کلمیشی. خان کلمیشی(گل محمد داستان کلیدر) شاید آخرین حلقه از این زنجیره باشد که با سلاح در پی تحقق عدالت و احقاق حقوق خود و دیگران بوده است. او در نخستین سالهای دهه ۲۰ خورشیدی بر سیستم حکومتی پهلوی دوم شورید و در نیمه های همان دهه به دست نیروهای دولتی کشته شد. گویا از او دختری بیش نماند که او هم به نیشابور مهاجرت

کرد و در همانجا درگذشت. آهنگ کرمانجی خان کلمیشی روایتی است غم انگیز از آغاز و انجام آخرین شورش مسلح کرد در خراسان.

انسان خجالت می کشد این تیتراهای کاذب را می بیند از زبان کسانی که پشیزی به این حرفهای خود قائل نیستند. از شما انتظار بیشتری می رود.

اگر چه کمتر توفیق دارم گلشن شما را به تماشا بنشینم اما خرسندم از تلاش و ممارست و جد و جهد شما در عرصه ای که به نظر می رسد دیگر نه نانی و نه نامی ندارد در این کشور...



انقدر واضح است که این حرفها شعاری هست کاش ذره ای از این شعر و شور، شعور هم بود. ذره ای در اخلاق رفتار و کردارشان تاثیر مثبت داشت.

در عکس های جلسه دیدار استاندارد و معاون علمی رییس جمهور همه کارمندان و مدیران استانداری حضور داشتند خواستم بپرسم منظور استاندار از نخبگان کارمندان استانداری هستند ؟



میشه ادرس نخبگانی که استاندارد گفته را بدهید

.... را نخبه خواندن هم هنری است بی نظیر که از تنها عهده اینها بر می آید که جز شهرت و شکم نمی فهمند



«آگهی ثبتی

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود اختصاصی زرعی به مساحت ۵۵۵۰ مترمربع به پلاک ۲۱۴ فرعی از ۲۰۲ اصلی واقع در اراضی جلین سفلی ملکی محمدرضا جلینی کرد فرزند سلیمان ساعت ۹ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۲ در محل وقوع ملک واقع در شهرستان گرگان، اراضی جلین سفلی بازدید بعمل خواهد آمد و اگر روز تحدید حدود تعطیل باشد روز بعد از تعطیلی انجام میگردد از این رو چنانچه مجاوری نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است میتواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود راکتیبااذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. تاریخ انتشار شنبه ۱۴۰۵/۰۵/۱۷

سیدعبسی میر کاظمی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف مهناز جهانفر- شناسه آگهی ۲۲۴۲۸۲۱

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود اختصاصی زرعی به مساحت ۱۵۶۰ مترمربع به پلاک ۲۱۶ فرعی از ۲۰۲ اصلی واقع در اراضی جلین سفلی ملکی محمدرضا جلینی کرد فرزند سلیمان ساعت ۹ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۲ در محل وقوع ملک واقع در شهرستان گرگان، اراضی جلین سفلی بازدید بعمل خواهد آمد و اگر روز تحدید حدود تعطیل باشد روز بعد از تعطیلی انجام میگردد از این رو چنانچه مجاوری نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است میتواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود راکتیبااذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. تاریخ انتشار شنبه ۱۴۰۵/۰۵/۱۷

سیدعبسی میر کاظمی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف مهناز جهانفر- شناسه آگهی ۲۲۴۲۸۳۰

آگهی تحدید حدود اختصاصی

تحدید حدود اختصاصی زرعی به مساحت ۳۴۶۷ مترمربع به پلاک ۲۱۵ فرعی از ۲۰۲ اصلی واقع در اراضی جلین سفلی ملکی محمدرضا جلینی کرد فرزند سلیمان ساعت ۹ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۲ در محل وقوع ملک واقع در شهرستان گرگان، اراضی جلین سفلی بازدید بعمل خواهد آمد و اگر روز تحدید حدود تعطیل باشد روز بعد از تعطیلی انجام میگردد از این رو چنانچه مجاوری نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است میتواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود راکتیبااذکر شماره پلاک به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی می تواند بدادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. تاریخ انتشار شنبه ۱۴۰۵/۰۵/۱۷

سیدعبسی میر کاظمی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف مهناز جهانفر- شناسه آگهی ۲۲۴۲۸۳۳

آگهی تحدید حدود اختصاصی

بدینوسیله اعلام میگردد به استناد ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف تحدید حدود ششدانگ یک قطعه باغ دارای پلاک ۱۸ فرعی از ۲۰۵ اصلی بخش ۱ ثبت منطقه یک گرگان واقع در اراضی سفیداری به مساحت ۴۰۰۰۱ متر مربع بنام ارش احمدی فرزند احمد نسبت به ششدانگ ساعت ۹:۰۰ روز یک شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۷/۰۷ در محل وقوع ملک واقع در گرگان اراضی زرعی روستای سفیداری با کد پستی بعمل خواهد آمد. از این رو چنانچه مجاوری یا هر شخصی نسبت به حدود یا حقوق ارتفاقی حقی برای خود قائل است میتواند فقط تا سی روز از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدید حدود اعتراض خود را با کتبا یا ذکر شماره پلاک فوق الذکر به اداره ثبت شهرستان گرگان تسلیم نموده و علاوه بر آن ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نماید در غیر اینصورت متقاضی ثبت یا نماینده قانونی وی میتواند به دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست را دریافت و به اداره ثبت تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض اداره ثبت وفق مقررات مبادرت به صدور سند مالکیت خواهد نمود. تاریخ انتشار: شنبه ۱۴۰۵/۰۵/۱۷

جواد پورمند- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان از طرف غلامرضا قاسمی- شناسه آگهی ۲۲۴۴۰۵

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی بر ابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد

گلشنجهن

سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض محمود کمالی فاز کد ملی ۲۱۲۰۳۳۹۸۷۸ متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۹۸۸ فرعی از ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۹۸۸ سهم ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۲۹.۰۳ مترمربع که دارای ۲۹۰۳ سهم مشاع از ۳۲۸۳۵۰ سهم ششدانگ عرصه است به مساحت ۳۲۸۳۵۰ مترمربع با قدرالسهم از کلیه مشاعات و مشترکات مشاعات محوطه مشاعی بمساحت ۱۸۰۷۷۰ مترمربع طبق قوانین جاری عرف محل از پلاک ۰ فرعی از ۲- اصلی واقع در اراضی پله باغ بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۱۷

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۶/۰۲
سیدعبسی میر کاظمی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف مهناز جهانفر- شناسه آگهی ۲۲۴۴۰۸۴

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی بر ابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۴۰۰۱۰۱۸۴۴ نقضای خاتم کلثوم دماوندی کمالی به شماره شناسنامه ۶ و کد ملی ۲۲۴۹۵۸۷۶۳۳ فرزند یوسف در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی بمساحت ۳۷۰۸۷۰ مترمربع از پلاک شماره ۲۵۹- اصلی واقع در اراضی فتح باغ بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نمایند. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵۰۵۰۱۷

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵۰۶۰۱
جواد پورمند- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان- شناسه آگهی ۲۲۴۴۱۱۳

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی بر ابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض مهدی کنده بشماره ملی ۳۳۶۰۸۱۶۹۸۱ متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۸۴ فرعی از ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۸۴ سهم ششدانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۰۵ مترمربع از پلاک ۲۰۲- اصلی واقع در جلین سفلی بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵۰۵۰۱۷

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵۰۶۰۲
سیدعبسی میر کاظمی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان از طرف مهناز جهانفر- شناسه آگهی ۲۲۴۴۱۳۳

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین نامه اجرایی تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۲۸۵۲/۰۸۰۰۳۱۲۰۰۸۰۶۰۲۰۱۴۰۵۰۴۰۳۰ تاریخ ۱۴۰۵۰۴۰۳۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان آق قلا پرونده کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۰۰۸۰۰۰۴۸۲ فرعی از ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۸۴ صادره آق قلا در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۸۰۴۰۰ مترمربع مفروز و مجزی شده جزئی از پلاک ثبتی شماره ۹ فرعی از دو اصلی واقع در آق قلا، اراضی قریه آق دگش، بخش ۱۳ حوزه ثبتی ملک شهرستان آق قلا از سهمی مالک رسمی رجب جرجانی تایید گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به

صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشارنوبت اول: شنبه۱۴۰۵۰۵۰۱۷

تاریخ انتشارنوبت دوم:یکشنبه۱۴۰۵۰۶۰۱

احمد نویان سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا از طرف علی برقی م الف: ۶۲۵

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه احمد قریشی فرزند شاهمراد با ارائه دو برگ استشهاده گواهی شده توسط دفتر ۳۰ آق قلا به شماره درخواست ۱۴۰۵۶۲۶۵۹۱۲۴۰۰۰۰۹۷ مورخه ۱۴۰۵۰۵۰۰۶ دفتر ۳۰ آق قلا ادعا نموده که سند مالکیت ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۲۶۴ متر مربع دارای پلاک ثبتی شماره ۴۱۲۰ فرعی از یک اصلی بخش ۰۷ ثبت آق قلا با شماره چاپی ۸۷۹۶۷۷ سری الف سال ۹۱ و از نوع تک برگی بنام احمد قریشی فرزند شاهمراد بشماره ملی ۴۹۷۹۴۲۱۰۵۹ متولد ۱۳۴۳ مسبق به سابقه ثبت و صدور سند مالکیت می باشد. که بعلت جابجایی مفقودگردیده و نقضای صدور سند مالکیت العنی را از این اداره نموده است.از این رو باستناد ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت مراتب در یک نوبت آگهی می گردد تا هرکس نسبت به ملک مورد آگهی معامله دیگری انجام داده بامدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد باید تا ده روز پس از انتشار آگهی، به ثبت محل مراجعه و اعتراض کتبی خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم نمایند در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات نسبت به صدور سند مالکیت العنی اقدام خواهد شد. علی برقی- کفیل اداره ثبت اسناد و املاک آق قلا- م الف: ۶۲۳

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۲۸۷۳/۰۷۰۰۳۱۲۰۰۷۰۵۶۰۱۴۰۵۰۶ مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۱۲ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک آزادشهر پرونده کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۴۱۲۴۰۷۰۰۰۰۰۵۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم نیکا زارع گل چشمه فرزند جواد به شناسنامه و کدملی ۲۲۸۵۴۳۹۶۹۵ صادره از شیراز در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۰۵۱/۵۰ مترمربع از پلاک ۷-۳۳۴ اصلی واقع دراتوبان آزادشهر- نگیں شهر- جاده روستایی- روستای ارازتقان اراضی کشاورزی- بخش۸ حوزه ثبت ملک آزادشهر متقاضی نسبت به ملک مورد نقاضا و انتقال مع الواسطه ملک از وراثت مالک رسمی مرحوم اسماعیل زارع گل چشمه و حصه مشاعی خود متقاضی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب دریک نوبت ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۵/۱۷

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۵/۳۱

هادی عطائی -مقدم- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آزادشهر- م الف: ۱۰۱۵۰

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۲۶۵۴/۱۲۰۰۳۱۲۰۰۱۴۰۵۶۰۳۱۲۰۰۵۶۰۵۰۷ مورخ ۱۴۰۵۰۵۰۵۰۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کلاله تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم محمدرضا خواجه نوری فرزند سلطان محمد به شناسنامه شماره ۴۹۷ کدملی ۵۳۱۹۷۵۱۳۸۹ صادره از شهرستان مراوه تپه در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احدائی به مساحت ۱۹۲.۹۲ مترمربع مفروز و مجزا شده از پلاک ثبتی ۲۸۱۹ فرعی از ۳۰۴ فرعی از ۲۱۳- اصلی واقع در کلاله بخش ۹ حوزه ثبتی کلاله خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای/ خانم عبدالرحمن کریمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه ۱۴۰۵/۰۵/۱۷

تاریخ انتشار نوبت دوم: دوشنبه ۱۴۰۵/۰۶/۰۲

بهمن سارلی- رئیس ثبت اسناد و املاک کلاله- م الف ۱۰۱۴۸

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی نوبت اول

انجمن صنفی کارفرمایی انبوه سازان و توسعه گران مسکن و ساختمان استان گلستان

– انتخابات بازرس

– سایر موارد

برگزاری مجمع عمومی عادی از ساعت ۱۲ الی ۱۴ ظهر

بر اساس بند ۱۰-۱۱ از ماده ۱۱ اساسنامه آن دسته از اعضا که قادر به حضور در روز برگزاری مجمع نیستند میتوانند یکی دیگر از اعضا را به طور کتبی به وکالت خود به مجمع عمومی معرفی نماید و هر عضو می تواند منحصرأ وکالت فقط یک عضو از اعضای مجمع را عهده دار شود. و وکالت دهنده موظف است شخصأ فرم وکالت نامه تنظیم شده توسط انجمن را حداکثر تا پایان ساعت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۴ در دفتر انجمن امضا و ثبت نماید .

هیئت مدیره انجمن صنفی کار فرمایی انبوه سازان وتوسعه گران مسکن و ساختمان استان گلستان

بدینوسیله از کلیه اعضای محترم انجمن صنفی کارفرمایی انبوه سازان مسکن و ساختمان استان گلستان

دعوت به عمل می آید تا در مجمع عمومی عادی نوبت اول که از ساعت ۱۲ الی ۱۴ ظهر، روز یکشنبه

مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۱۵ به آدرس: گرگان ، بلوار جانبازان – جانباز ۱۰ مجتمع سرفناز طبقه اول با دستور

کار ذیل بر گزار می گردد ، حضور بهم رسانند :

الف) دستور کار جلسه مجمع عمومی عادی :

– استماع گزارش رییس

– استماع گزارش خزانه دار

– بررسی و تصویب تراز مالی منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹ انجمن

– طرح و تصویب بودجه سال ۱۴۰۵ انجمن

– استماع گزارش بازرس



از حاشیه تا صدر



حسین محمدی

چگونه گلستان به یکی از استان‌های تاثیرگذار و صدرنشین انجمن ملی سیب‌زمینی ایران شد؟

سیب‌زمینی از محصولات راهبردی کشاورزی و یکی از ارکان امنیت غذایی کشور است. به همین دلیل، طی دهه‌های گذشته سیاست غالب بر آن بود که تولید این محصول در استان‌های سردسیر متمرکز شود؛ استان‌هایی که به دلیل شرایط اقلیمی، امکان تولید محصولی باکیفیت‌تر، پربازده‌تر و ماندگارتر را دارند. از همین رو، استان‌هایی مانند اردبیل، همدان، اصفهان و

گاه‌ا بعضی از سایر استان‌ها؛ به‌عنوان قطب‌های اصلی تولید سیب‌زمینی کشور شناخته می‌شدند و گلستان در حاشیه این معادله قرار داشت.

در بیش از دو دهه گذشته، توسعه سیب‌زمینی در گلستان نه از منظر اقلیمی به رسمیت شناخته می‌شد، نه در میان تصمیم‌گیران ملی صدای رسایی داشت، نه در ذهن سیاست‌گذاران جایگاه مناسبی یافته بود و نه در داخل استان اراده‌ای جدی برای رقابت با قطب‌های سنتی کشور شکل گرفته بود. از سوی دیگر، این بخش نیز در اولویت برنامه‌های وزارت جهاد کشاورزی هم قرار نداشت. در آن سال‌ها، سیب‌زمینی گلستان تنها زمانی مورد توجه قرار می‌گرفت که بازار کشور با کمبود محصول مواجه می‌شد. به بیان دیگر، گلستان نقش «سوپای اطمینان» بازار را ایفا می‌کرد؛ نه یک قطب تولید و نه یک بازیگر اثرگذار در سطح ملی.

پیامد این نگاه، حذف تدریجی گلستان از بسیاری از تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های ملی بود. اما کمتر کسی به ریشه این وضعیت توجه می‌کرد. چگونه می‌توان از استانی که سال‌ها از حمایت‌های ملی، سرمایه‌گذاری مؤثر و زیرساخت‌های لازم محروم بوده است، انتظار رقابت با قطب‌های باسابقه کشور را داشت؟ واقعیت آن بود که این شرایط، نتیجه سال‌ها غفلت از توسعه این بخش بود، نه کمبود استعداد و ظرفیت.

اما این وضعیت نمی‌توانست ادامه داشته باشد؛ در دل همین محدودیت‌ها، با همراهی کشاورزان فهیم، آگاه و دانش‌محور استان، رویکردی تازه شکل گرفت. هدف این حرکت صرفاً افزایش تولید نبود، بلکه تقویت اعتمادبه‌نفس در میان تولیدکنندگان، ارتقای جایگاه گلستان در میان استان‌های تولیدکننده و فراهم کردن زمینه حضور مؤثر در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های ملی بود.

با وجود نقش مهم تولید بهار استان در تأمین نیاز بازار، سهم گلستان در سیاست‌های حمایتی، برنامه‌های

توسعه‌ای، اعتبارات و تصمیمات کلان، بسیار اندک بود. این استان بیشتر زمانی دیده می‌شد که بازار کشور با کمبود سیب‌زمینی روبه‌رو می‌شد؛ گویی مأموریت آن تنها جبران کمبودها بود، نه ایفای نقش به‌عنوان یک تولیدکننده اثرگذار.

در برخی مقاطع حتی کیفیت پایین محصول گلستان، عاملی برای کاهش قیمت بازار تلقی می‌شد و این موضوع بهانه‌ای برای نادیده گرفتن ظرفیت‌های استان بود. اما کمتر کسی به این پرسش پاسخ می‌داد که چگونه می‌توان از استانی که سال‌ها از سرمایه‌گذاری، زیرساخت، بذر مناسب و حمایت‌های ملی محروم بوده است، انتظار رقابت با قطب‌های قدیمی کشور را داشت؟

با این حال، این وضعیت سرنوشت محتوم گلستان نبود. تحول از زمانی آغاز شد که نگاه‌ها از انتظار برای حمایت‌های بیرونی، به ظرفیت‌های درونی استان معطوف شد. گروهی از کشاورزان پیشرو، کارشناسان، پژوهشگران و فعالان بخش خصوصی، توسعه را نه در انتظار تصمیم دیگران، بلکه در اتکا به توان داخلی جست‌وجو کردند.

نخستین گام، سالم‌سازی بذر و ایجاد زنجیره تولید سیب‌زمینی بذری بود. انعقاد تفاهم‌نامه میان سازمان جهاد کشاورزی گلستان و سازمان جهاد کشاورزی سمنان با محوریت شهرستان شاهرود، زمینه شکل‌گیری این زنجیره را فراهم کرد. به دنبال آن، شرکت‌های تولید بذر شکل گرفتند، ارتباط با مراکز تولید بذر کشور گسترش یافت، ارقام جدید وارد مزارع شد و عملکرد تولید به‌تدریج افزایش یافت. هم‌زمان، برگزاری همایش‌های تخصصی، ارتباط میان کشاورزان، پژوهشگران، صنایع تبدیلی و فعالان بازار را تقویت کرد. نتیجه این تعامل، حرکت تدریجی از تولید ارقام صرفاً تازه‌خوری به سمت ارقام صنعتی و بازپسند بود؛ تغییری که ارزش اقتصادی محصول را افزایش داد و جایگاه سیب‌زمینی گلستان را در بازارهای داخلی و

صادراتی ارتقا بخشید. اصلاح مدیریت مزرعه، توسعه مکانیزاسیون، بهبود تغذیه گیاهی، استفاده از دانش متخصصان برجسته و معرفی ظرفیت‌های استان، حلقه‌های دیگر این زنجیره تحول بودند. در ادامه، با همکاری اتاق بازرگانی گرگان و بازرگانان بومی، صادرات سیب‌زمینی به بازارهای کشورهای شمالی نیز آغاز شد. این تجربه نشان داد که توسعه تنها به معنای افزایش تولید نیست؛ بلکه زمانی پایدار خواهد بود که زنجیره ارزش، از بذر تا بازار، کامل شود. مجموعه این اقدامات، گلستان را از استانی با نقش محدود و منفعل، به استانی پویا، رقابت‌پذیر و اثرگذار در عرصه ملی تبدیل کرد. نماد این تحول، انتخاب یکی از کشاورزان گلستان به ریاست انجمن ملی سیب‌زمینی ایران است؛ جایگاهی که تنها یک عنوان تشریفاتی نیست، یا موفقیت فردی؛ صنفی و استانی تلقی نمی‌شود؛ بلکه فرصتی برای دفاع از حقوق تولیدکنندگان، جذب سرمایه‌گذاری، توسعه صادرات، انتقال مطالبات استان و مشارکت مؤثر در سیاست‌گذاری‌های ملی به شمار می‌رود.

با این همه، این موفقیت نباید پایان راه تلقی شود. گلستان هنوز ظرفیت‌های فراوانی برای توسعه تولید، تکمیل زنجیره ارزش، فرآوری، صادرات و ارتقای جایگاه خود در اقتصاد کشاورزی کشور دارد.

اکنون پرسش اساسی این است: آیا مدیران و تصمیم‌گیران استان، به‌ویژه در حوزه اقتصاد کشاورزی، از ظرفیت‌ها، اختیارات و جایگاه انجمن ملی سیب‌زمینی ایران به‌درستی آگاه هستند؟ و مهم‌تر از آن، چه برنامه‌ای برای بهره‌گیری از این فرصت ملی در مسیر توسعه کشاورزی استان دارند؟

پاسخ به این پرسش، می‌تواند مسیر آینده سیب‌زمینی گلستان را مشخص کند؛ مسیری که نشان داده است با باور به ظرفیت‌های داخلی، اعتماد به بخش خصوصی و برنامه‌ریزی علمی، می‌توان از حاشیه به صدر رسید.

کارشناس کشاورزی

نوغانداری نیازمند سرمایه‌گذاری برای تکمیل زنجیره تولید است

به دلیل نیاز کم به هزینه‌های کارگری، دسترسی به برگ توت و امکان انجام در فضای روستایی، به‌ویژه برای بانوان روستایی، یک فرصت اقتصادی مناسب محسوب می‌شود. وی افزود: هر جعبه تخم نوغان در یک دوره حدود ۴۵ روزه می‌تواند برای سه نفر یا یک خانواده اشتغال موردی ایجاد کند و با برنامه‌ریزی مناسب، این ظرفیت قابلیت توسعه بیشتری دارد. معاون امور طیور جهاد کشاورزی گلستان با اشاره به وجود حدود هزار هکتار توتستان در استان اظهار کرد: مرکز توسعه نوغانداری گلستان در میوندشت مستقر است و توسعه این مرکز، یکی از برنامه‌های مهم برای حمایت از تولیدکنندگان و ارتقای جایگاه این صنعت در استان به شمار می‌رود. کریمی گفت: ساختمان مرکز توسعه نوغانداری گلستان در سه طبقه و با اعتبار ۸۰ میلیارد ریال ساخته شده، اما برای بهره‌برداری کامل نیازمند تأمین برخی زیرساخت‌ها از جمله آب، برق و تجهیزات است. وی از برنامه‌ریزی برای توسعه آموزش‌های ترویجی، حمایت از تولیدکنندگان، افزایش توزیع تخم نوغان و ایجاد زنجیره‌های پرورش کرم ابریشم و صنایع تبدیلی خبر داد و افزود: در سال زراعی آینده هدف‌گذاری شده پنج هزار جعبه تخم نوغان در استان توزیع شود. معاون امور طیور جهاد کشاورزی گلستان تأکید کرد: توسعه نوغانداری تنها به افزایش تولید پیله محدود نمی‌شود، بلکه تکمیل زنجیره تولید و ایجاد صنایع فرآوری می‌تواند این محصول را از یک فعالیت سنتی به یک صنعت اقتصادی ارزش‌آفرین برای استان تبدیل کند.



اعلام کرد، اما نوغانداران گلستانی توانستند محصول خود را تا سقف ۱۲ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال به فروش برسانند. این مسوول خاطرنشان کرد: به طور میانگین هر جعبه تخم نوغان در گلستان حدود ۳۸ کیلوگرم پیله‌تر تولید کرد و امسال چهار هزار و ۵۰ جعبه تخم نوغان بین بهره‌برداران توزیع شد که حاصل آن مشارکت ۲ هزار و ۲۵۰ تولیدکننده در این بخش بود. کریمی با بیان اینکه نوغانداری اغلب در شرق گلستان و شهرستان‌های میوندشت، گالیکش، کلاله و مراوه‌تپه انجام می‌شود، گفت: این فعالیت

گلستانی تولید شد که اگرچه از نظر وزنی نسبت به سال گذشته کاهش حدود ۵۰ درصدی داشت، اما همچنان نقش مهمی در تقویت اقتصاد روستایی و ایجاد درآمد جانبی برای خانوارها ایفا کرد. کریمی بیان کرد: کاهش تولید امسال ناشی از عواملی همچون تأخیر در واردات تخم نوغان خارجی و همچنین گرایش برخی بهره‌برداران به سمت سایر فعالیت‌های کشاورزی با توجه به دستمزد و درآمد مناسب‌تر بود. وی اضافه کرد: دولت امسال قیمت تضمینی هر کیلوگرم پیله‌تر ابریشم را ۶ میلیون و ۵۰ هزار ریال

صنعت نوغانداری گلستان با برخورداری از ظرفیت‌های ارزشمند تولید پیله‌تر ابریشم، یکی از بخش‌های مهم کشاورزی استان به شمار می‌رود که علاوه بر ایجاد اشتغال برای هزاران خانوار روستایی، می‌تواند با توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی به یک زنجیره اقتصادی پایدار تبدیل شود اما نبود زیرساخت‌های فرآوری، موجب شده بخش زیادی از ارزش افزوده این محصول خارج از استان ایجاد شود. به گزارش ایرنا، معاون امور طیور جهاد کشاورزی گلستان اظهار کرد: نوغانداری در این استان از ظرفیت بالایی برای ایجاد اشتغال و درآمد روستایی برخوردار است و کیفیت پیله‌تر ابریشم تولیدی گلستان به دلیل شرایط اقلیمی و موقعیت جغرافیایی، در شمار محصولات باکیفیت کشور قرار دارد. سحر کریمی افزود: با وجود این ظرفیت، یکی از چالش‌های اساسی صنعت نوغانداری گلستان، نبود صنایع تبدیلی و فرآوری متناسب با میزان تولید است که سبب شده پیله‌تر تولیدی پس از برداشت برای فرآوری به استان‌های دیگر از جمله خراسان منتقل شود و ارزش افزوده حاصل از آن نصیب دیگر مناطق شود. وی ادامه داد: توسعه زنجیره تولید از پرورش کرم ابریشم تا فرآوری نخ و محصولات نهایی، نیازمند ورود سرمایه‌گذاران و ایجاد زیرساخت‌های لازم است تا بتوانیم علاوه بر حفظ تولیدکنندگان فعلی، زمینه حضور افراد بیشتری در این فعالیت اقتصادی را فراهم کنیم. معاون امور طیور جهاد کشاورزی گلستان با اشاره به تولید امسال پیله‌تر ابریشم در استان گفت: امسال ۱۵۸ تن پیله‌تر ابریشم توسط بهره‌برداران



مقالات، اجرای طرح‌های پژوهشی و ده‌ها شاخص دیگر، همگی در قالب آیین‌نامه‌های مصوب ارزیابی می‌شوند و مبنای تصمیم‌گیری درباره مسیر شغلی و حرفه‌ای اعضای هیئت علمی قرار می‌گیرند. در سطح نهادی نیز وضعیت تفاوت چندان ندارد. دانشگاه‌ها به‌طور مستمر در قالب نظام‌های رتبه‌بندی ملی و بین‌المللی از جمله ISC و سایر نظام‌های معتبر جهانی ارزیابی می‌شوند و نتایج این ارزیابی‌ها در تخصیص اعتبارات، سیاست‌های حمایتی و اعتبار علمی مؤسسات آموزش عالی اثرگذار است. از این منظر، دانشگاه را می‌توان یکی از معدود سازمان‌های کشور دانست که هم در سطح فردی و هم در سطح سازمانی، تجربه‌ای نسبتاً نهادینه از مدیریت مبتنی بر عملکرد را در اختیار دارد.

البته این بدان معنا نیست که نظام موجود بی‌نقص است. تجربه جهانی نشان می‌دهد هرگاه ارزیابی عملکرد بیش از اندازه بر شاخص‌های کمی متمرکز شود، پیامدهایی همچون امتیازمحوری به جای مسئله‌محوری، جابه‌جایی هدف، کاهش انگیزه برای پرداختن به مسائل بنیادین و بلندمدت، افت کیفیت آموزش، افزایش فشارهای روانی و فرسودگی شغلی، فردگرایی و نادیده گرفتن نقش‌های تربیتی، فرهنگی، اخلاقی و مرجعیت اجتماعی استادان دانشگاه پدید می‌آید. دانشگاه صرفاً کارخانه تولید مقاله نیست؛ نهادی است که سرمایه انسانی، اعتماد اجتماعی، فرهنگ علمی، نوآوری و ظرفیت حل مسائل کشور را نیز تولید و یا بازتولید می‌کند؛ دستاوردهایی که سنجش آنها به مراتب دشوارتر از شمارش مقالات و امتیازات است.

با وجود این کاستی‌ها، نسبت دادن پایین بودن حقوق اعضای هیئت علمی به فقدان نظام ارزیابی عملکرد، تحلیلی ناقص و به دور از انصاف است. اتفاقاً اگر قرار باشد دستگاه‌های اجرایی کشور از منظر استقرار مدیریت مبتنی بر عملکرد با یکدیگر مقایسه شوند، جامعه دانشگاهی در زمره گروه‌هایی قرار می‌گیرد که بیشترین میزان ارزیابی مستمر، رقابت حرفه‌ای و پاسخگویی را تجربه می‌کند. از این رو، هرگونه قضاوت درباره بهره‌وری و کارآمدی اعضای هیئت علمی باید با در نظر گرفتن این واقعیت‌های نهادی صورت گیرد، نه بر پایه این پیش‌فرض نادرست که گویا نظام دانشگاهی فاقد سازوکارهای عملکردمحور است.

با این حال، ادبیات مدیریت عملکرد نیز به‌صراحت تأکید می‌کند که ارزیابی منصفانه تنها زمانی امکان‌پذیر است که عملکرد در پرتو شرایط تحقق آن سنجیده شود. در اغلب الگوهای معتبر مدیریت منابع انسانی، عملکرد حاصل تعامل سه مؤلفه اساسی است: شایستگی (Competence)، انگیزش (Motivation) و فرصت یا بستر انجام کار



دانشگاه؛ پیشگام مدیریت مبتنی بر عملکرد



محمد شریف شریف زاده

در هفته‌های اخیر، هم‌زمان با طرح مباحث مربوط به حقوق و مزایای شغلی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، این گزاره نیز مطرح شده است که هرگونه بهبود نظام پرداخت آنان باید به «عملکرد» گره بخورد. این دیدگاه، اگرچه در ظاهر با اصول مدیریت نوین همخوانی دارد، اما از یک واقعیت مهم غفلت می‌کند؛ اینکه دانشگاه‌های ایران سال‌هاست از معدود بخش‌های نظام اداری کشور هستند که نظام جذب، ارتقا، ترفیع، پرداخت‌های حرفه‌ای و حتی تخصیص بخشی از منابع آنان بر پایه ارزیابی مستمر عملکرد استوار شده است. از نخستین مرحله ورود به حرفه دانشگاهی، یعنی احراز صلاحیت‌های علمی و عمومی، تا ترفیع سالانه، ارتقای مرتبه علمی، دریافت پژوهانه و گرنت‌های پژوهشی، فرصت‌های مطالعاتی، جوایز و سایر مشوق‌های حرفه‌ای، عضو هیئت علمی ناگزیر است عملکرد خود را در چارچوب مجموعه‌ای از شاخص‌های نسبتاً روشن و قابل سنجش به اثبات برساند. آموزش، پژوهش، فناوری، نوآوری، فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی، تربیت دانشجویان تحصیلات تکمیلی، ارتباط با صنعت و جامعه، تألیف و ترجمه آثار علمی، انتشار

باید در همه اجزای چرخه مدیریت عملکرد متجلی شود؛ چرخه‌ای که تنها به سنجش و ارزیابی محدود نمی‌شود، بلکه طراحی مسیرهای حرفه‌ای پایدار، تأمین گرنت‌ها و منابع پژوهشی متناسب، ایجاد زیرساخت‌های علمی، ارائه بازخوردهای سازنده، ثبات نسبی مقررات و در نهایت، برقراری تناسب میان عملکرد و نظام جبران خدمات را نیز در بر می‌گیرد. ارزیابی عملکرد زمانی می‌تواند به بهبود کیفیت و اثربخشی بینجامد که به جای ابزاری صرفاً برای امتیازدهی، به سازوکاری برای یادگیری سازمانی، توسعه حرفه‌ای و ارتقای سرمایه انسانی دانشگاه تبدیل شود.

در نهایت، بودجه دانشگاه‌ها را نباید صرفاً در زمره هزینه‌های جاری دولت طبقه‌بندی کرد. سرمایه‌گذاری در آموزش عالی، پژوهش و فناوری، سرمایه‌گذاری بر ظرفیت ملی تولید دانش، نوآوری، امنیت غذایی، سلامت، بهره‌وری اقتصادی، اقتدار علمی و توسعه پایدار کشور است. از همین رو، انتظار عملکردی بالاتر از دانشگاه، بدون فراهم آوردن الزامات تحقق آن، با منطق مدیریت مبتنی بر عملکرد سازگار نیست. وظیفه قانون‌گذاران و متولیان برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی آن است که ضمن حفظ و ارتقای نظام ارزیابی عملکرد، پیش‌شرط‌های نهادی و مالی تحقق آن را نیز به رسمیت بشناسند. تنها در این صورت است که نظام ارزیابی عملکرد دانشگاهی می‌تواند به جای آنکه صرفاً ابزاری برای سنجش باشد، به موتور محرک کیفیت، نوآوری و پیشرفت ملی تبدیل شود.

دکتری تخصصی، استاد دانشگاه

(Opportunity/Resources). به بیان دیگر، حتی برخورداری از توانمندی‌های علمی و انگیزه بالا نیز بدون وجود منابع، زیرساخت‌ها و محیط نهادی مناسب، الزاماً به عملکرد مطلوب منجر نخواهد شد. از این رو، ارزیابی صرف خروجی‌ها، بدون توجه به کیفیت نهاده‌ها و شرایط فراهم‌شده برای تحقق آنها، نه تنها از منظر علمی ناقص، بلکه از حیث عدالت سازمانی نیز محل تأمل است.

در همین چارچوب، عملکرد اعضای هیئت علمی را باید در پرتو پیش‌شرط‌های تحقق آن ارزیابی کرد. دسترسی به گرنت‌های پژوهشی کافی و پایدار، زیرساخت‌های آزمایشگاهی، اطلاعاتی و فناوریانه مناسب، امکان تعاملات علمی بین‌المللی، مسیرهای حرفه‌ای روشن، باثبات و قابل پیش‌بینی، امنیت شغلی، فرصت برنامه‌ریزی بلندمدت و ثبات نسبی مقررات حاکم بر جذب، ترفیع و ارتقا، از مهم‌ترین الزامات یک نظام مدیریت عملکرد اثربخش به شمار می‌روند. در مقابل، تغییرات مکرر آیین‌نامه‌های ارتقا، بازنگری‌های پی‌درپی شاخص‌های ارزیابی، گسترش مستمر انتظارات بدون تأمین متناسب منابع و تغییر قواعد بازی در میانه مسیر، هزینه‌های انطباق را افزایش داده و امکان برنامه‌ریزی حرفه‌ای اعضای هیئت علمی را کاهش می‌دهد. طبیعی است که در چنین شرایطی، قضاوت درباره عملکرد، بدون لحاظ کردن این متغیرهای زمینه‌ای، تصویری کامل و منصفانه از واقعیت ارائه نخواهد کرد. از منظر سیاست‌گذاری عمومی، این موضوع یک پیام روشن دارد. اگر دولت و نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی کشور به مدیریت مبتنی بر عملکرد باور دارند، این باور

جانباختگان تصادفات ۱۷ درصد کاهش یافت

دستگاه‌های اجرایی در حوزه ایمنی راه‌ها و حمل و نقل بررسی و گزارش وضعیت تردها، آمار تصادفات جاده‌ای در چهار ماه نخست سال جاری و برنامه‌های مداخله‌ای سال ۱۴۰۵ ارائه شد. بررسی آخرین وضعیت ایمنی راه‌ها، تشدید برخورد با تخلفات حادثه‌ساز، اصلاح فرآیند کشف تخلفات، مدیریت تردد موتورسیکلت‌ها، ارتقای ایمنی کاربران آسیب‌پذیر، افزایش کیفیت خدمات امداد و نجات و همچنین آمادگی دستگاه‌های مسئول برای خدمات‌رسانی در ایام اربعین حسینی از مهم‌ترین محورهای این نشست بود. اعضای کمیسیون همچنین بر اجرای طرح‌های عمرانی و ایمن‌سازی در نقاط پرخطر استان تأکید کردند که از جمله آنها می‌توان به اصلاح هندسی و افزایش ضریب ایمنی بلوار کشاورز شهر مرزعه کنول، خط‌کشی و نصب علائم ایمنی در محور اولنگ رامیان با توجه به تردد ساکنان محلی و خودروهای سنگین معادن و نیز پیگیری تکمیل پوشش دکل‌های مخابراتی در محورهای توسکستان و پارک ملی گلستان اشاره کرد.



معاون هماهنگی امور عمرانی استاندار گلستان از کاهش ۱۷ درصدی جانباختگان تصادفات درون‌شهری استان در چهار ماه نخست امسال خبر داد و گفت: این کاهش نتیجه برنامه‌ریزی، هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی و اجرای اقدامات عملیاتی در حوزه ارتقای ایمنی ترافیک است. به گزارش روابط عمومی سیدمهدی مهبانی در نشست کمیسیون اجرایی مدیریت ایمنی حمل و نقل که به صورت مشترک با شورای ترافیک گلستان برگزار شد، اظهار کرد: تحلیل آمار تصادفات درون‌شهری نشان می‌دهد تعداد فوتی‌های ناشی از سوانح رانندگی نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۱۷ درصد کاهش یافته که بیانگر اثربخشی اقدامات انجام شده در حوزه ایمنی ترافیک است. وی افزود: ارتقای زیرساخت‌های حمل و نقل، اصلاح نقاط حادثه‌خیز، افزایش ایمنی معابر و توسعه فرهنگ صحیح رانندگی از مهم‌ترین عوامل کاهش تصادفات و تلفات جاده‌ای است و با تداوم این اقدامات می‌توان آمار سوانح را بیش از پیش کاهش داد. در این نشست، عملکرد